

مقاله پژوهشی

تحلیلی بر پیشینه شکل گیری و رشد سلفی گری و بازتاب آن در جهان اسلام

داوود میرزایی^۱، مهدی جاودانی مقدم^۲، رضا پریرزاد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

چکیده: سلفی گری و نوسلفی گری به عنوان پدیده ای تاریخی در جهان اسلام، در سه دهه اخیر با شکل گیری و تشدید فعالیت گروه های سلفی، نمود و ظهور بیشتری یافته است. این مقاله تلاش دارد تا به این سوال اصلی بپردازد که ریشه ها و زمینه های تاریخی شکل گیری و رشد سلفی گری چیست و چه بازتابی در جهان اسلام و بویژه در بحران های اخیر در غرب آسیا داشته است؟ فرضیه این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته بر این اساس استوار است که «ظهور و گسترش سلفی گری، محصول یک پدیده چندبعدی و عمیق هویتی و سیاسی به عنوان برساخته ای ذهنی است که در دیالکتیک با واقعیات عینی دولت های اسلامی و مداخلات قدرت های بزرگ بر پیچیدگی و گستردگی آن افزوده و بر اختلاف و واگرایی میان مذاهب و دولتهای اسلامی بویژه در دو دهه اخیر در غرب آسیا دامن زده است».

واژگان اصلی: سلفی گری، نوسلفی گری، جهان اسلام، غرب آسیا.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روابط بین الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Davoodmirzaei55@yahoo.com

^۲ * استادیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول).

Javdani@isu.ac.ir

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران R_parizad@yahoo.com

مقدمه

رویدادهای چند دهه اخیر در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام، از جمله جنگ داخلی در سوریه، پیدایش گروه‌های تروریستی از جمله داعش در عراق و سوریه، حمله عربستان و متحدانش به یمن، گسترش فعالیت‌های تروریستی در لیبی و شمال آفریقا و پیچیده تر شدن مسأله فلسطین همه نشان از تفرقه و واگرایی در جهان اسلام به شمار می‌رود که این شکاف، هر روز گسترده تر می‌شود. این شرایط متأثر از دو عامل اصلی درونی و بیرونی وضعیت سیاسی-اجتماعی کشورهای اسلامی است. درواقع، از یکسو مداخلات خارجی قدرتهای فرامنطقه‌ای در این کشورها و اشغال سرزمین‌های اسلامی بویژه پس از حملات آمریکا به افغانستان و عراق، زمینه تشدید محیط بحران در این کشورها را بوجود آورده و از سوی دیگر، بحران‌های پنج گانه انباشته شده در کشورهای اسلامی شامل بحران‌های هویت، مشروعیت، نفوذ، مشارکت و توزیع، سبب تقویت گرایش‌ها و جریان‌های رادیکال و ظهور جنبش‌هایی با اندیشه‌های سلفی شده است. این جریان‌های نوسلفی با قرائتی بنیادگرایانه مبتنی بر بازگشت به قرآن و سیره سلف صالح، با انگیزه جهاد علیه دشمنان خارجی و داخلی جهان اسلام، در موج چهارم خلافت خواهی، درصدد استقرار خلافت اسلامی هستند. باین وجود، نتیجه اقدامات و فعالیت‌های آنان از یکسو تشدید محیط بحران در جهان اسلام و واگرایی مذاهب اسلامی و به تبع آن، فاصله گرفتن آن از آرمان شکل‌گیری امت واحده و از سوی دیگر، جنگ داخلی در کشورهای افغانستان، عراق و سوریه و... و تشدید جنگ سرد میان دولتهای اسلامی شده است. براین اساس، سلفی‌گری و نوسلفی‌گری اگرچه ریشه‌ای در گذشته تاریخی جهان اسلام داشته اما این پدیده، بدون شک، در چند دهه اخیر بزرگترین چالش فراوری دولتهای اسلامی و حتی سایر دولتها در نظام بین‌الملل بوده است. از این رو بررسی و شناخت ریشه‌ها، زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری آن و نقش آن در بحران‌های اخیر در غرب آسیا از اهمیت بسیاری برخوردار است. از سوی دیگر با توجه به اینکه یکی از اهداف اصلی و اولیه گفتمان سلفی‌گری و نوسلفی‌گری، مقابله با اندیشه تشیع و بویژه گفتمان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران است، لذا مقابله، مهار و کنترل آن نیز از بایسته‌ها و ضروریات سیاست خارجی کشورمان به حساب می‌آید که مسلماً عدم شناخت کافی و دقیق از پیشینه، مبانی و اصول آن و نقش آفرینی گروه‌ها و جنبش‌های مرتبط با این پدیده در بحران‌های منطقه‌ای می‌تواند چالش‌های جدی‌ای را فراوری امنیت ملی ایران قرار دهد. در این چارچوب و با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی این پدیده، این مقاله تلاش دارد تا به این سوال اصلی بپردازد که ریشه‌ها و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری و رشد سلفی‌گری چیست و چه

بازتابی در جهان اسلام و بویژه در بحران های اخیر در غرب آسیا داشته است؟ این پژوهش مبتنی بر این فرضیه با روش توصیفی- تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته که «ظهور و گسترش سلفی گری، محصول یک پدیده چندبعدی و عمیق هویتی و سیاسی به عنوان برساخته ای ذهنی است که در دیالکتیک با واقعیات عینی دولت های اسلامی و مداخلات قدرت های بزرگ بر پیچیدگی و گستردگی آن افزوده و بر اختلاف و واگرایی میان مذاهب و دولتهای اسلامی بویژه در دو دهه اخیر در غرب آسیا دامن زده است». به منظور بررسی سوال و فرضیه مذکور، در ادامه، در ابتدا به مبانی نظری اشاره شده و سپس به پیشینه تاریخی ظهور سلفیه در جهان اسلام و سیر تطور آن پرداخته شده و در نهایت، بازتاب دیالکتیک محیط عملیاتی و اندیشه سلفی گری بر شکل گیری نوسلفی گری معاصر و تاثیرات آن بر جهان اسلام مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

۲- پیشینه پژوهش

اگرچه پدیده سلفی گری، موضوع جدیدی برای پژوهش محسوب نمی شود و تا کنون آثار متعددی در قالب کتاب و مقاله و رساله و پایان نامه و... در این زمینه نگاشته شده است اما بررسی آن با تبیین زمینه های شکل گیری نوسلفی گری و بویژه نقش محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام در ساخت آن و پیامدهای آن بر واگرایی مذاهب اسلامی بالاخص در چند دهه اخیر، موضوعی است که در آثار پژوهشی محدودی قابل مشاهده است. در این زمینه، پژوهش های موجود را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول پژوهش هایی هستند که به ریشه ها و زمینه های تاریخی و هویتی سلفی گری پرداخته اند. در این زمینه، برخی از مهمترین پژوهش های صورت گرفته را می توان به شرح زیر برشمرد:

عنوان	نویسنده	سال انتشار	ناشر	مساله محوری پژوهش
Salafi-Jihadism: The History of an Idea	Shiraz Maher	۲۰۱۶	Oxford University Press	زیربنای فکری سلفی جهادیسیم از خاستگاه آن در کوه های هندوکش تا فعالیت های جهادی دهه ۱۹۹۰ و جنگ های پس از ۱۱ سپتامبر ترسیم

شده است.				
«ساخت سلفی‌گری» به عنوان یک پدیده ذهنی که به گذشته برمی‌گردد تحت تاثیر شرایط محیطی ناشی از استعمارزدایی متکامل شده و در بستر اجتماعی کشورهای اسلامی رشد یافته است	Columbia University Press	۲۰۱۵	Henri Lauzière	The Making of Salafism: Islamic Reform in the Twentieth Century
«سلفی‌گری» و «سلفی‌گری جهادی» به عنوان گرایش‌های اعتقادی مهم در اندیشه اسلامی معاصر، دوگانگی و پیچیدگی‌های ذاتی میان تنش‌های ظریف بین آرمان‌های محلی و جهانی در "روش سلفی" را در درون خود دارد که در بستر هویتی-تاریخی آن قابل درک است.	Oxford University Press	۲۰۱۴	Roel Meijer	Global Salafism: Islam's New Religious Movement
بررسی ادوار مکتب سلفی و نقد نظام معرفتی، نظام اعتقادی و اصول رفتاری سلفی‌گری مهمترین دغدغه این کتاب است.	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	۱۳۹۵	محمد باقر پورامینی	بنیاد تفکر سلفی
بررسی تاریخ‌پیدایش و عوامل گسترش گروه‌های افراطی سلفی و تکفیری و ارایه تحلیلی	دار العلم	۱۳۹۴	مهدی فرمانیان	تاریخ سلفی‌گری

از تحولات اخیر در کشورهای اسلامی در این زمینه صورت گرفته است.				
---	--	--	--	--

دسته دوم آثاری است که بر مطالعه موردی سلفی گری در دولت و جنبش های اسلامی تمرکز داشته اند. درواقع، این پژوهش ها به نوعی مطالعه موردی شکل گیری و فعالیت های جنبش های سلفی در کشورهای اسلامی است که در این زمینه نیز می توان به آثار پژوهشی زیر اشاره کرد:

عنوان	نویسنده	سال انتشار	ناشر	مساله محوری پژوهش
Rethinking Salafism: The Transnational Networks of Salafi 'Ulama in Egypt, Kuwait, and Saudi Arabia	Ismail Raihan	۲۰۲۱	Oxford University Press	کتاب «بازاندیشی سلفی گری» منشأ، تعاملات و پویایی شبکه های فراملی علمای سلفی در منطقه شامل عربستان سعودی، مصر و کویت را ارزیابی می کند.
شناخت شناسی سلفی گری در ایران (مطالعه موردی: بررسی رویکرد جریان های مذهبی اهل سنت کشور)	منصور عنبرمو	۱۳۹۹	فصلنامه تاریخ اسلام و ایران	سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مدلول و مثال سلفی گری در ایران امروز در میان جریان های اصلی اهل سنت به چه صورتی قابل تبیین است؟
وهابیت و پارادوکس سلفی گری در عصر نوگرایی	محمد مهدوی و دیگران	۱۳۹۸	فصلنامه اندیشه نوین دینی	تحقیق حاضر درصدد است پارادوکس های وهابیت در خصوص چالش بزرگی که بین تحفظ به ظواهر و سیره سلف از یک سو، و پذیرش پیشرفت های بی وقفه و

اجتناب ناپذیر بشری است، تبیین و شواهد این امر ارائه شود.				
این اثر به مطالعه موردی دیدگاه سلفی در میان اخوان المسلمین پرداخته است.	فصلنامه آینه معرفت	۱۳۹۷	حمید ایمان دار و حامد مصطفوی فرد	سلفی گری در اندیشه کلامی جماعت اخوان المسلمین
این پژوهش درصدد بررسی نوینی از عقاید بربهاری و ارائه نتایج حاصل از این تفکرات بوده است.	فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام	۱۳۹۷	عبدالرفیع رحیمی و سبحان بازوند	آموزه های بربهاری و تأثیر آن بر جریان های سلفی گری
این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش است که «مولفه های تاریخی، فرهنگی و سیاسی برآمدن و گسترش سلفی گری در قفقاز شمالی چه مواردی هستند؟»	مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز	۱۳۹۴	مهدی حسینی تقی آبادی و دیگران	سلفی گری افراطی در قفقاز شمالی، با تاکید بر مولفه های تاریخی، فرهنگی و سیاسی

دسته سوم آثاری است که به نقش محیط اجتماعی در شکل گیری این پدیده یا پیامدهای آن بر جهان اسلام بیشتر تکیه کرده اند. درواقع در این پژوهش ها تلاش شده تا با فرا رفتن از توصیف ریشه ها و یا مطالعه تاریخی، نگاهی تحلیلی به ساخت اجتماعی موثر در تولید و بازتولید سلفی گری داشته باشد که در این زمینه نیز آثار زیر ارائه شده است:

عنوان	نویسنده	سال انتشار	ناشر	مساله محوری پژوهش
سلفی گری و خشونت سیاسی تأملی	شاهین زرع پیمنا و مینا	۱۴۰۰	فصلنامه پژوهش	این اثر به تشریح مبانی فکری پیشقراولان نهضت سلفیه متقدم

بر تأثیر بحران های اجتماعی در تکوین جنبش های اسلامی سلفی رادیکال معاصر در خاورمیانه	جهان شاهی		های اجتماعی اسلامی	و متأخر و تحلیل جامعه شناختی محمل های اجتماعی تکوین آن در بستر بحرانهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان اسلام و در نهایت کیفیت ارتباط آن با خشونت سیاسی معاصر در خاورمیانه و جهان، تحت سیطره جنبشهای تکفیری و سلفی پرداخته است.
Wahhabism and the Rise of the New Salafists: Theology, Power and Sunni Islam	Nahouza Namira	۲۰۱۸	I.B. Tauris	این کتاب با بررسی مبنای کلامی وهابیت، تفاوت عقاید وهابی با شاخه های اسلام سنی و تأثیر آن در گسترش سلفیت را بررسی کرده است.
سلفی گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران	حسین نصیرزاده و مهناز گودرزی	۱۳۹۶	فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی	سلفی گری تکفیری در خاورمیانه و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران در این اثر مورد بررسی قرار گرفته است.
جریان شناسی فکری - فرهنگی سلفی گری معاصر	مهدی فرمانیان و دیگران	۱۳۹۵	نشر زمزم	در این کتاب به مطالعه موردی سلفی گری در عربستان، مصر، سایر کشورهای عربی، منطقه شبه قاره و آفریقا ژرداخته شده است.

مقاله حاضر تلاش دارد تا ضمن بررسی ریشه ها و زمینه های شکل گیری سلفی گری و نوسلفی

گری در جهان اسلام به نقش عوامل محیطی در ظهور و توسعه این پدیده پرداخته و نقش آن در واگرایی میان مذاهب اسلامی را تبیین نماید که از این رو متمایز با سایر آثار موجود به حساب می‌آید.

۳- مبانی نظری

سازه‌انگاری یکی از نظریاتی است که در سال‌های اخیر در بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی برای تبیین پدیده‌ها استفاده می‌شود. این مساله به سبب توانایی این نظریه در ادراک پدیده‌ها در اندرکنشی میان ذهنیات و واقعیات اجتماعی است. در واقع، سازه‌انگاری بر خلاف نظریات صرفاً مادی نگر بر این اصل استوار است که پدیده‌های اجتماعی، علاوه بر ماهیت عینی باید در بستری که برساختگی ذهنی آن شکل می‌گیرد تبیین شوند. بنابراین از نظر سازه‌انگاری، ادراک پدیده‌ها در دیالکتیک شکل دادن جهان مادی به کنش انسانی و شکل گرفتن جهان مادی از سوی کنش و تعامل انسان مقدور است. در این چارچوب، سازه‌گرایان بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می‌کنند که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. چنانچه در نظریه ساخت یابی گیدنز، با ترکیب نظریات خرد - که بر کنش‌گری انسان‌ها به عنوان کارگزار تاکید می‌کنند- و نظریات کلان - که بر الزام آور بودن ساختارهای اجتماعی تاکید می‌کنند- تلاش شده تا بر تعامل ساختار و کارگزار در ساخت واقعیت‌ها پرداخته شود. (صدیقی، ۱۳۸۹: ۱۴۱-۱۴۲)

براین اساس، توجه به ابعاد گفت‌مانی شکل‌گیری پدیده‌ها همزمان با ابعاد مادی آنها از اهمیت بسیاری در درک آنان از دیدگاه سازه‌انگاران دارد. آنان اعتقاد به نوعی کنش محیط ذهنی و عینی و همچنین ساختار و کارگزار دارند. بنابراین در مطالعه پدیده‌های اجتماعی باید افزون بر توجه به ساختارهای مادی، به ساختارهای معنایی نیز توجه داشت (Wendt, 1999). این ویژگی سازه‌انگاری سبب می‌شود که این نظریه در درک ما از سلفی‌گری و نوسلفی‌گری نیز راهگشا باشد زیرا که اگرچه اندیشه‌های بنیانگذاران سلفی‌گری نقش مهمی در شکل‌گیری و استمرار آن در جهان اسلام داشته است اما محیط عملیاتی فعالیت جریان‌های سلفی و بویژه زمینه‌ها و محرک‌های بیرونی از جمله استمرار بحران‌های متعدد داخلی و خارجی دولت‌های اسلامی و همچنین مداخلات قدرت‌های بزرگ عامل مهمی در تطور و رشد این اندیشه‌ها و فعالیت گروه‌های معتقد به آن در جهان اسلام

بویژه در سه دهه اخیر داشته است. در ادامه برای تبیین بیشتر این مساله، ابتدا محیط ذهنی و خاستگاه اندیشه‌ای شکل‌گیری سلفی‌گری مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به محیط عملیاتی استمرار و رشد این اندیشه‌ها در جهان اسلام اشاره می‌شود.

۴- پیشینه ظهور سلفیه در جهان اسلام

سلف در لغت به معنای پیشین و پیشینیان در مقابل خلف به معنای پسین و جانشینان است. منظور از سلف، سلفیه و سلفی‌گری در اسلام، دیدگاهی در میان برخی علما و پیروان اهل سنت است که معتقد به ضرورت بازگشت ضرورت به اندیشه و رفتار پیشینیان و به عبارت دقیق‌تر سلف صالح یعنی پیامبر گرامی اسلام (ص)، صحابه، تابعین و تابعین تابعین است. البته در مورد مصداق اینکه سلف چه کسانی هستند اختلافاتی وجود دارد اما در مجموع با استناد «حدیث قرون نخستین» که آن را از پیامبر اسلام (ص) بدین مضمون نقل می‌کنند که «خیر الناس قرنی، ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم، ثم یجیء اقوام تسبق شهاده احدهم یمینه و یمینه شهاده» (بهترین مردم، مردمان قرن من هستند، سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و سپس دیگرانی که در پی آنان می‌آیند) (بخاری، ج ۳، ۱۳۸۰: ۱۷۱) بنظر می‌رسد که سلف، مسلمانان سه قرن اول را شامل می‌شود. از دیدگاه سلفیه، با توجه به ایجاد برخی بدعت‌ها در تاریخ اسلام و مشکلات و چالش‌های ناشی از آن برای مسلمانان، راه نجات و رهایی از وضعیت کنونی جهان اسلام، تمسک به قرآن و سیره سلف صالح است. در این چارچوب، به باور سلفیان، قرآن و سنت پیامبر تنها با تفسیر صحابه، تابعین و تابعین تابعین معتبر است و لذا برای فهم آموزه‌های دینی تنها بر آیات قرآن و احادیث تکیه می‌کنند. درواقع، ویژگی‌های خاص سلفیون ازجمله ظاهرگرایی، نص‌گرایی، تاکید خاص بر بدعت زدایی از دین، تعطیلی عقل و عدم حجت برای آن و در نهایت، تکفیر سبب شده که سلفیون صرفاً خود را ملاک حق دانسته و سایر مذاهب اسلامی را باطل و کافر بدانند. این مساله به یکی از مهمترین خصوصیات آنان در اندیشه و رفتار تبدیل شده است. در این میان، ابن تیمیه، ابن قیم جوزیه، محمد بن عبدالوهاب، محمد شوکانی و رشیدرضا از مهمترین نظریه‌پردازان سلفیه هستند که در دوره‌های مختلف توانسته‌اند پیروانی نیز با خود به همراه داشته باشند. در ادامه به نقش هر یک از این بنیانگذاران در شکل‌گیری و تطور سلفیه اشاره می‌شود.

۴-۱- بنیانگذاران سلفی‌گری: ابن حنبل و ابن تیمیه

مؤسس مذهب چهارم اهل سنت که اینک کم‌رهرترین مذهب سنی نیز محسوب می‌شود مقارن با ایام حیات چهار امام شیعیان و چندین خلیفه عباسی در بغداد می‌زیست. او که از تفسیر نص و تأویل سنت، گریزان بود و علم نقلی را گرامی می‌داشت معتقد بود: «تفسیر درست فقط تفسیر با ماثور است یعنی تفسیر با اثر منقول از پیامبر یا صحابه و چون در این باب منقولات صحیح در دست نیست پس اصلاً نباید قرآن را تفسیر کرد». (شبستری، ۱۳۷۵: ۱۰۶) در این چارچوب، ابن حنبل و سپس سلفیون پس از وی، با تمسک به ظاهرگرایی یا نقل‌گرایی منطبق بر منطوق محوری و تخطئه اجتهاد عقلی، بر قرائت صوری و ظاهری از قرآن و احادیث در همه زمان‌ها و مکان‌ها تمرکز داشتند و هر گونه تفسیر و عمل متفاوت را به شدت نفی می‌نمودند (سیدنژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۵).

پس از ابن حنبل، مسلماً سلفی‌گری را باید میراث دار اندیشه‌های احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه حرانی معروف به ابن تیمیه (۷۲۸-۶۴۱ هجری قمری)، که مهمترین شخصیت حنبلی پس از ابن حنبل بود، دانست. درواقع، ابن تیمیه احیاگر سلفیه در قرن هشتم بود که بر اساس همان ظاهرگرایی و نگرش نص‌گرایانه‌اش، بیشترین مواجهه را با شیعیان، اسماعیلیان و باطنیان داشت و اوقات زیادی از عمر خویش را صرف ردیه‌نویسی و مبارزه با اعتقادات این سه گروه کرد. او به تندی و گاه با تمسخر و تحقیر، اعتقادات شیعی را به چالش می‌کشید و از امور و شئونی نظیر عصمت، غیبت، تقیه، زیارت، توسل و امامت به شدت انتقاد می‌کرد؛ انتقاداتی که امروزه نیز دستاویز جریان‌های سلفی و نوسلفی است و ابن تیمیه را به پدر معنوی بنیادگرایان سنی تبدیل کرده است. (علیپور و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۲-۴۳) پس از ابن تیمیه، شاگردان وی از جمله ابن قیم جوزیه و ابن عبدالهادی، به انتشار آرای وی پرداختند. در این میان، تمرکز آنان بر مبارزه با بدعت‌ها عامل مهمی در جذب برخی طرفدارانشان بود اما اختلاف نظرها و افراط میان آنان زمینه‌ای برای واگرایی نسبت به اندیشه‌های آنان را بوجود آورد (میراحمدی و ولدبیگی، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

۴-۲- محمد بن عبد الوهاب و رشیدرضا: احیاگران سلفی‌گری

محمد بن عبد الوهاب که خود را پیرو ابن تیمیه می‌دانست و دیدگاه جدیدی در مذهب سنی حنبلی بنیانگذار کرد که بعدها به نام وهابیت در میان مسلمانان و علمای سنی عربستان سعودی ریشه گرفت را باید مجدد سلفی‌گری معاصر دانست. وی که عقایدش را در عربستان تبلیغ می‌کرد، آنقدر تندرو بود که ایدئولوژی وی تنها در حجاز رونق گرفته بود اما پس از مدتی با حمایت محمد بن سعود

(جد آل سعود) چندین حرکت جهادی برای دعوت به کیش سختگیرانه خویش و مصادره اموال کسانی که از این دعوت سرباز می‌زدند انجام داد. او یکی از نقاط قوت سیر سلفی گری در میان پیروان ابن حنبل محسوب می‌شود که مجموعه عقاید خاصی را وضع کرد چه این که «عقاید وهابیت که در قرن دوازدهم و خارج از امپراطوری عثمانی طی توافقی میان محمدبن سعود و محمدبن عبدالوهاب ظهور کرد مطابق مذهب حنبلی و افکار ابن تیمیه بود» (عدالت نژاد و نظام الدینی، ۱۳۹۰: ۱۶۷) درواقع، عقاید افراطی محمدبن عبدالوهاب سبب شده بود که وی نتواند موفقیتی را در جلب نظر علما و مردم بدست آورد اما آنچه که به تقویت و توسعه اندیشه های محمدبن عبدالوهاب کمک کرد، قدرت سیاسی حاکم بود. محمدبن عبدالوهاب شیعه ستیزی تمام عیار بود لذا پس از کسب قدرت با همپیمانی با محمد بن سعود، پیروان وهابی وی به شهرهای شیعی در عراق حمله ور شدند و در سال های ۱۸۰۱ و ۱۸۰۲ میلادی به قتل عام هزاران نفر و غارت و تخریب حرم کربلا اقدام کردند. آنان ضمن مخالفت با شیعیان، خواهان واگذاری خلافت از ترکان عثمانی به اعراب و ایجاد حکومتی بر اساس اندیشه های سلفی بودند (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۰۲).

در این شرایط، جریان سلفی گری سنی با گذر از ابن حنبل، ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب به رشیدرضا که اندیشمندی اصلاح طلب در مصر بود رسید. رشید رضا تحت تاثیر محمدبن عبده که خود متأثر از جنبش اصلاح دینی سیدجمال الدین اسدآبادی بود، در ابتدا خواهان اصلاح دینی برای رویارویی با ورود اندیشه جدید غربی بود اما دیری نگذشت که در پیش گرفتن سنت سلف صالح را کارآمدتر از اصلاح دینی یافته و با رویگردانی از سیدجمال الدین اسدآبادی و محمد عبده، شیفته ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب شد (گل محمدی، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

از سوی دیگر، رشید رضا را از جهت دیگری می‌توان به عنوان نقطه عطف مهمی در سیر سلفی گری سنی در تمدن اسلامی به حساب آورد زیرا که در اندیشه سیاسی وی بر ضرورت بازگشت به امر خلافت به سیره سلف صالح نیز تاکید شده است. او معتقد بود خلافت، مظهر پیوستگی دین و دولت در اسلام و تنها شکل حکومت شرعی مسلمانان است که ترکان عثمانی آنرا از شکل دموکراتیک صدر اسلام به نظامی ستمگر، خودکامه و فریبکار تبدیل کرده اند و لذا باید از آنان گرفته شود (خان محمدی و جعفری، ۱۳۹۵: ۴۷).

براین اساس، رشیدرضا نقطه عطف مهمی در نقد خلافت عثمانی و ضرورت بازگشت به خلافت به سیره سلف صالح به حساب می‌آید. در واقع با توجه به استمرار تاریخی خلافت پس از عباسیان در

حکومت عثمانی و پذیرش آن توسط عموم اهل سنت از شبه قاره هند تا آفریقا، انتقاد از این نظام و تاکید بر لزوم گذار از اشکال دیگر خلافت (امامه الضروره و التغلب بالقوه) به خلافت آرمانی (دوره خلفای راشدین و برخی خلفای پارسا مانند عمر بن عبدالعزیز و یزید بن ولید) سبب شد که موج خلافت خواهی مجددا در جهان اسلام سنی احیا گردد.

۵- سلفی گری و خلافت خواهی در جهان اسلام

جریان سلفی در ابتدای شکل گیری با مخالفت علمای اسلام و مردم مواجه شد اما این جریان با گذشت زمان با کسب حمایت سیاسی و همچنین تمرکز بر این ایده که ناکارآمدی نظام سیاسی مستقر به دلیل فاصله گرفتن از سیره سلف صالح و انحراف در دین بوده و صلاح امت در بازگشت به بنیادها و اصول فراموش شده است، طرفدارانی در میان مردم هم پیدا کرد. این مساله در مورد خلافت، با توجه به اینکه رهبری سیاسی و دینی اهل سنت به حساب می آمد و پس از دو دوره خلافت اموی و عباسی، در دوره عثمانی به غیرعرب واگذار شده و ترکان عثمانی نیز در سالهای پایانی حکومت از درون دچار فرسایش و فساد شده بودند نیز مطرح گردید. در این زمینه مصلحان دینی مانند سیدجمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی، رشیدرضا و... بر ضرورت اصلاحات سیاسی در نظام حاکم تاکید داشتند. چنانچه کواکبی در کتاب ام القری بر ضرورت احیای خلافت و واگذاری آن به اعراب پرداخت و رشیدرضا نیز چنانچه اشاره شد، بر ضرورت بازگشت به سبک خلافت آرمانی البته با مراجعه به شورا و از طریق اهل حل و عقد اصرار داشت. در این شرایط، تحول بسیار مهمی که سبب شد این اندیشه ها در عمل به شکل گیری خلافت خواهی در میان جریان سلفی منجر شود، فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ اول جهانی و برچیده شدن خلافت توسط آتاتورک با استقرار نظام جمهوری بود. این مساله، علما و مردم اهل سنت را با چالش جدی مواجه کرد. درواقع، این مقطع یکی از حساس ترین مقاطع حیات سیاسی اهل سنت به حساب می آید زیرا که با انحلال خلافت، بحران جدی ای در مورد حاکمان کشورهای اسلامی و پیوند دین و دولت که از ابتدا بر اساس خلافت تنظیم شده بود شکل گرفت. این مساله ابتدا در ترکیه و سپس در سایر کشورهای اسلامی با واکنش هایی برای استمرار خلافت مواجه شد (قدیمی و جنگجو، ۱۳۹۲: ۸۲-۸۴)

در این شرایط، با انحلال خلافت عثمانی، نهضت و جنبش های اسلامی متعددی برای احیای آن

شکل گرفت که البته در ابتدا عمدتاً در عرصه اندیشه و در حد دغدغه‌های فکری متوقف ماندند ابتدا امیرعلی هندی و آقاخان رهبر اسماعیلیان با اولین رئیس جمهور در تاریخ ترکیه دیدار کردند و خواهان احیای خلافت شدند تا مسلمین از بحران هویت رها شوند و در ادامه اندیشمندانی از کشورهای مصر، (محمد محمود صراف) بنگلادش (حافظی حضور)، ترکیه (جمال الدین رشید کابلان) و سوریه (رشیدرضا) از برپایی حکومت اسلامی با توجه به احکام و آموزه‌های دینی سخن گفتند. با این وجود، با عدم تحقق رویای استمرار خلافت عثمانی، جنبش‌های جدید اسلامی در قالب‌های سلفی شکل گرفتند که با ملامت استعمار و حکومت‌های دست‌نشانده و غریزه، بر آن شدند تا آموزه‌های صدر اسلام را با ساماندهی به نظام نوین خلافت زنده کنند. از نظر آنان، راه حل مشکلات جهان اسلام، بازگشت به اسلام اصیل است و این امر با کنار زدن جوامع جاهلی کنونی و تغییر همه جنبه‌های زندگی امروزی - که بر پایه اصول جاهلی و اسلامی شکل گرفته‌اند - و استقرار مجدد خلافت میسر می‌شود (غفاری و علیزاده، ۱۳۹۳: ۹۶-۹۷).

۶- رشد اندیشه‌های سلفی در اخوان المسلمین مصر: از حسن البناء تا سید قطب

اخوان المسلمین مصر را بدون شک باید یکی از مهمترین نقاط عطف فعالیت جریان‌های اسلامی از سلفی تا اعتدالی و اصلاحی دانست. این جنبش اسلامی که توسط حسن البناء بنیانگذاری شد از همان ابتدا متأثر از حسن البناء به اندیشه‌های سلفی متمایل بود درواقع، حسن البناء که در ایام جوانی با مطالعه مقالات رشیدرضا در نشریه المنار به سوی اندیشه‌های سلفی تمایل پیدا کرده بود، به منظور مقابله با موج فزاینده شرک و الحاد در جامعه مصر، با همراهی جمعی از دوستان و هم‌درسانش در الازهر، حلقه اخوان المسلمین را در دهه‌ی ۱۹۲۰م. تشکیل داد. در این حلقه، عناصر اصلی گفتمان اخوان المسلمین مبتنی بر ضرورت بازگشت به خلافت اسلامی دوره اولیه تاریخ اسلام، ماهیت سیاسی دین اسلام، ضرورت احیای نقش دین در جامعه و مقابله با دین زدایی و مدرنیته‌ی غربی شکل گرفت. بر این اساس، با تقویت اخوان المسلمین در مصر و سپس شاخه‌های آن در سایر کشورهای اسلامی، این اندیشه‌ها به سراسر جهان اسلام تسری پیدا کرد و موج جدید جنبش‌های سلفی خلافت خواه بوجود آمد. این مساله تحت تأثیر تحولات داخلی مصر از جمله کودتای افسران آزاد در سال ۱۹۵۲ میلادی و فراز و نشیب روابط جمال عبدالناصر و اخوان المسلمین و بویژه متأثر از اندیشه‌های سید قطب منجر به احیای جریان سلفی‌گری شد.

در این میان، مسلماً انتشار کتاب «معالم فی الطريق» از سید قطب و جاهلی خواندن نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان اسلام و تأکید وی بر ضرورت گذار از نظام جاهلی به حکومت اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است. سید قطب معتقد بود که «ما امروز در جاهلیتی همانند جاهلیت قبل از اسلام و بلکه وحشتناک‌تر از آن، گرفتار شده‌ایم. هرچه در پیرامون ما است همه جاهلیت است... ما نمی‌خواهیم با وضع جاهلی موجود بسازیم و یا ولایت آنرا بپذیریم... اولین وظیفه ما دگرگون ساختن وضعیت موجود جامعه است. ما باید این وضع موجود جاهلی را از اساس تغییر دهیم چون با برنامه و جهان بینی اسلامی تضاد بنیادی دارد... اسلام، نیمه در آمیختن‌ها را با جاهلیت نه از ناحیه بینش و نه از جهت اوضاع برجوشیده از این بینش، قبول ندارد و لذا یا اسلام وجود دارد و یا جاهلیت و وضعیت دیگری نیست که نصف آن اسلام و نصف دیگرش جاهلیت باشد و اسلام آن را بپذیرد و بدان راضی و خشنود باشد. دیدگاه اسلام در این مورد که حق یکی بیشتر نیست و جز این حق هرچه هست ضلالت و گمراهی است، کاملاً واضح و روشن می‌باشد و این دو (حق و ضلالت) به هیچ وجه قابل آمیزش و اشتباه شدن با هم نیستند و بنابراین یا حکم خدا وجود دارد و یا حکم جاهلیت. یا شریعت خدا حکم فرماست و یا هوس‌های بشر... پس در حقیقت، مسأله، مسأله‌ی کفر و ایمان و مسأله‌ی شرک و توحید و مسأله‌ی جاهلیت و اسلام است و این چیزی است که باید روشن باشد. این مردم مادام که یک زندگی جاهلی دارند، برخلاف ادعای خودشان مسلمان نیستند و چنانچه در میان آنها کسی دوست داشته باشد که خویشتن و یا دیگران را فریب بدهد و معتقد شود که اسلام می‌تواند با این جاهلیت به تفاهم برسد، بگذارد چنین بیندیشد ولی فریبکاری او یا فریب خوردن او هیچ چیزی را از حقیقت واقع، تغییر نمی‌دهد. نه این اسلام است و نه آنها مسلمان هستند. دعوت کنونی هم به خاطر آن است که این جاهلین را به اسلام باز گرداند و از نو آن‌ها را مسلمان بکند» (سید قطب، ۱۳۷۸: ۱۱-۱۳۵).

در این چارچوب، سید قطب را باید مهمترین منادی رستاخیز سلفیت برای مبارزه با نظام‌های جاهلی جهان اسلام دانست. اندیشه‌های او چنان بر اخوان المسلمین و سایر مسلمانان تأثیر گذاشت که نظام سیاسی مصر نیز آنرا زمینه‌سازی کودتا تلقی کرده و او را زندانی و اعدام نمود باین وجود، اندیشه‌های سید قطب بر نسل جدید جنبش‌های اسلامی بشدت تأثیر گذارد بگونه‌ای که از یکسو، شکاف جدی میان اخوانی‌های رادیکال و مسالمت‌جو با ایجاد جمعیت شباب اخوان با رویکردی کاملاً مسلحانه به دنبال اجرای آرای سید قطب بودند شکل گرفت و از سوی دیگر، اندیشه‌های او در

سراسر جهان اسلام، گسترده شد و بسیاری از رهبران جنبش های اسلامی از وی الهام گرفتند. با این وجود، جنبش های سلفی تحت تاثیر خفقان شدید نظام های سیاسی و سلطه اندیشه های چپ گرا تا یک دهه تضعیف گردید. در این شرایط، پیروزی انقلاب اسلامی و هدف آرمانی آن برای استقرار یک نظام اسلامی مجددا زمینه های لازم را برای فعالیت جنبش ها و نهضت های اسلامی بوجود آورد. درواقع، این جنبش ها تحت تاثیر وقوع انقلاب در ایران و بازتاب و صدور آن، انگیزه جدیدی برای فعالیت پیدا کردند اما آنچه که به نقطه عطف مهم فعالیت آنان بویژه در قالب جریان سلفی منجر شد، اشغال افغانستان توسط شوروی و شکل گیری گروه القاعده بود.

۷- بازتاب دیالکتیک محیط عملیاتی و اندیشه سلفی گری بر شکل گیری نوسلفی گری معاصر

۷-۱- اشغال افغانستان توسط شوروی و شکل گیری القاعده

دولت چپگرای افغانستان به ریاست نورمحمد تره کی، بر اثر یک رشته شورش های پراکنده در کابل و دیگر شهرهای بزرگ افغانستان از سوی گروه های اسلام گرا و مناسبات پنهان حفیظ الله امین نخست وزیر با ایالات متحده سرنگون و پس از کشته شدن نورمحمد تره کی، امین زمام امور را در دست گرفت. شوروی، امین را جاسوس سیا و کسی می دانست که می خواهد افغانستان را به دامان امپریالیسم آمریکا بیندازد و چون به هیچ وجه از دست دادن افغانستان را بر نمی تابید، دور از شکیبایی دیپلماتیک و محاسبات استراتژیک و از طرفی وقوع انقلاب اسلامی در ایران و سقوط رژیم شاه که در اردوگاه آمریکا قرار داشت، فرصت را برای حمله به افغانستان و تصرف آن مناسب می دید. در این وضعیت، با آغاز مبارزه مجاهدین افغان با ارتش شوروی و سپس پیوستن عرب افغان ها به آنان، بنیاد اولیه شکل گیری جریان نوسلفی در قالب سازمان القاعده ایجاد شد. در این میان، با تجاوز ارتش سرخ به خاک افغانستان، آمریکا سیاست خود را در قبال افغانستان را دگرگون ساخت و به پشتیبانی و حمایت از مجاهدان افغان برای بیرون راندن شوروی پرداخت و بدین سان برای مبارزه با کمونیسم میان آمریکا و گروه های مجاهدان عرب- افغان، پیوندی استراتژیک برقرار شد. از نظر آمریکایی ها، اسلام و اندیشه های اسلامی می توانست استراتژی مهار کردن کمونیسم را تقویت کند؛ بدین ترتیب استفاده از جهادگران اسلامی در رویارویی با ارتش سرخ در دستور کار آمریکا قرار گرفت و تسلیح و تجهیزشان در آن زمان با منافع و امنیت آمریکا همخوانی داشت. تجاوز نیروهای شوروی به افغانستان هزاران داوطلب را از سراسر جهان بخصوص کشورهای عربی - اسلامی برای

ستیز با اشغالگران و کمک به مجاهدین به افغانستان کشاند. این داوطلبان در سایه این جنگ، تجربه‌های نظامی بسیار به دست آوردند. این جنگ به بین‌المللی شدن جنبش‌های اسلام‌گرا و قدرت‌گیری و گرایش هر چه بیشتر آنها به خشونت نیز منجر شد (عباسی و بیات، ۱۳۹۵: ۲۵).

۷-۲- حادثه ۱۱ سپتامبر و جهانی‌سازی سلفی‌گری جدید

حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی مهمترین نقطه عطف فعالیت گروه‌های سلفی در دوره معاصر به حساب می‌آید. درواقع، این حادثه سبب شد که از یکسو اندیشه‌های القاعده به عنوان مادر گروه‌های سلفی جدید در سراسر جهان اسلام گسترانده شده و جوانان بسیاری از کشورهای اسلامی که سرخورده از نظام‌های سیاسی ناکارآمد و امیدوار به راه حل اسلام برای رهایی از این شرایط هستند به آن متمایل شوند. از سوی دیگر، با تهاجم آمریکا به افغانستان و عراق و تلاش برای دولت‌سازی از بالا و استقرار دولت‌های دموکراتیک در این کشورها بدون توجه به شکاف‌ها و چالش‌های موجود در آنان، موج گسترده‌ای از خشونت ورزی و تمایل برای احیای خلافت اسلامی بوجود آمد که اوج آن در قالب گروه داعش متبلور شد.

۷-۳- نوسلفی‌گری در بحران‌های اخیر در غرب آسیا

همانگونه که اشاره شد، امروزه سلفی‌گرایی طیف وسیعی از گرایش‌های سنی و معتدل تا سلفی‌گرایی افراطی را در بر می‌گیرد. گروه‌های سلفی که بسیار متعدد هستند و با عناوینی همچون، «جهادی» و «تکفیری» از آنها یاد می‌شود، با شعار بازگشت به سلف صالح خواستار بازگشت به اصل دین هستند و ابزار و روش آن را قیام به سیف یا جهاد می‌دانند. بااین وجود، گروه‌های نوسلفی امروزی، تنوع و حتی تضاد بسیاری دارند چنانچه برخی صرفاً درصدد تغییر نظام سیاسی در یک کشور اسلامی هستند (مانند جیش الاسلام که به دنبال سرنگونی نظام سوریه است) در حالی که برخی ازجمله القاعده و داعش، رویای تشکیل خلافت اسلامی را دارند. این اختلافات حتی در مواردی به منازعه مسلحانه و خشونت بار میان آنان منجر شده است چنانچه گروه النصره و داعش در جنگ سوریه در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. در مجموع، علی‌رغم برخی اختلافات، در دو دهه‌ی اخیر سلفی‌گری به دلایل مختلف، رشد بسیار زیادی داشته تا آنجا که بر اساس گزارش مرکز سوفان ایالات متحده، بیش از ۱۲ هزار جنگجوی خارجی با ۸۱ ملیت برای عضویت در گروه‌های سلفی به

عراق و سوریه سفر کرده اند (Basit, 2014: 4). در این میان، با توجه به اینکه مهمترین نمود حضور و فعالیت نوسلفی ها در بحران های غرب آسیا را می توان در حضور پررنگ آنان در جنگ های داخلی عراق و سوریه مشاهده کرد، در ادامه به زمینه ها و ریشه های فعالیت آنان در این دو کشور اشاره می شود.

۷-۳-۱- از القاعده عراق تا داعش

بررسی اجمالی در تاریخ عراق نشان می دهد که دولت های حاکم بر این کشور، عمدتاً فاقد پایگاه اجتماعی و مقبولیت فراگیر بوده و هیچ گاه یک دولت - ملت فراگیر که تجلی همه ی گروه ها و قومیت های این کشور باشد شکل نگرفته است. الگوی حاکم بر این کشور از زمان ملک فیصل تا سقوط صدام حسین، تجلی حاکمیت اقلیت سنی مذهب و سرکوب شدید اکثریت شیعه، اکراد و دیگر اقوام از قبیل ترکمن ها و ارمنی ها بوده است که خود زمینه تفاوت های عمیق مذهبی را فراهم و بر پتانسیل خشونت و کینه در این کشور افزوده است. استفاده از سلاح های شیمیایی علیه کردها و سرکوب وحشیانه شیعیان در سال ۱۹۹۱ تنها برخی از اقدامات صدام بود که بر شکاف های مذهبی و قومی در این کشور دامن زد. با سرنگونی صدام حسین و استقرار نظام جدید، قدرت از انحصار اقلیت سنی خارج و در اختیار جریان های شیعه و کرد نیز قرار گرفت به طوری که رئیس جمهور از اکراد و نخست وزیر از شیعیان انتخاب شد. این تحولات برای اقلیت سنی مذهب که سال ها قدرت را در دست داشت و در نواحی مرکزی عراق سکونت داشتند قابل پذیرش نبود. در واقع اعراب سنی عراق از تحولات روی داده پس از سقوط صدام و قدرت گیری شیعیان ناراضی بوده و البته بسیاری عقیده دارند سیاست های نوری مالکی نیز بر نارضایتی فوق دامن زده است. مالکی برای تصفیه ارتش عراق از بعثی های سابق، بالاجبار به کنار گذاشتن اقلیت سنی از ارتش و سیاست این کشور متهم شد لذا بعثی ها و سنی ها که اکثراً بیکار و از ادارات و دوایر دولتی اخراج شده بودند وارد سه استان موصل، صلاح الدین، الانبار شدند که برخی از آنها جذب گروه های تروریستی از جمله داعش شدند در واقع بسیاری از قبایل و عشایر سنی و همچنین بعثی های سنی رانده شده از ارتش به بیعت و حمایت از داعش متمایل گردیدند و همین همکاری، زمینه ی سقوط بخش اعظمی از عراق و تسلط داعش را موجب گردید (نیاکویی، ۱۳۹۴: ۱۰۲-۱۰۴).

براین اساس، القاعده ی عراق که در سال ۲۰۰۴ توسط ابومصعب الزرقاوی فعالیت خود را آغاز کرده

و پس از کشته شدن او در سال ۲۰۰۶ تحت رهبری ابوحمزه المهاجر و ابو عمر بغدادی به فعالیت خود ادامه داده بود در سال ۲۰۱۴ به رهبری ابوبکر البغدادی، داعیه خلافت اسلامی را پیش گرفت و فعالیت‌های گسترده خود را با تصرف بخش‌های زیادی از خاک عراق در این کشور ادامه داد به گونه‌ای که موجودیت دولت مرکزی را نیز تهدید نمود. در این وضعیت، حکم جهاد مرجعیت عراق و هسته‌های مردمی برای دفاع از کشور در مقابل این جریان سلفی و حمایت‌های ایران و شکل‌گیری جبهه متحد مقاومت، زمینه را برای تضعیف و شکست داعش و بازپس‌گیری سرزمین عراق از این جریان بوجود آورد.

۷-۳-۲- جریان‌های سلفی در جنگ داخلی سوریه

سوریه یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه با تنوع گروه‌های نژادی و مذهبی از جمله کردها، ارمنی‌ها، آسوری‌ها، شیعیان علوی و دروزی‌ها است که اعراب سنی بخش اعظم جمعیت آنرا تشکیل می‌دهند. کشور سوریه در سال ۱۹۴۶ استقلال خود را از فرانسه به دست آورد با این همه این کشور، بویژه به دلیل منافع متناقض گروه‌های مختلف در جامعه، شاهد دورانی از بی‌ثباتی سیاسی بوده است. سوریه و مصر برای مدت کوتاهی (۱۹۶۱-۱۹۵۸) در دوران ریاست جمهوری جمال عبدالناصر، اتحادیه‌ای را تشکیل دادند ولی کودتایی نظامی، استقلال را به این کشور بازگرداند. در سال ۱۹۶۳ حزب پان عرب بعث که تحت کنترل علوی‌ها بود قدرت را به دست گرفت و تا به امروز در رأس قدرت باقی ماند (گلشن پژوه، ۱۳۸۵: ۱۹۵). در این وضعیت با توجه به انسجام اجتماعی اندک در سوریه و فرقه‌های مذهبی گوناگون، این امر شکاف اجتماعی دیرپایی را در این کشور ایجاد کرده است. همچنین تبعیض‌های گوناگونی علیه اکراد که حدود ۱۰ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند از گذشته وجود داشته است. در این شرایط، سرکوب سیاسی مخالفان بویژه حادثه حماه ۱۹۸۲، زمینه نارضایتی شدید بخش‌هایی از جامعه را فراهم نمود (نیاکویی، ۱۳۹۴: ۱۰۲-۱۰۴). بنابراین پس از بهار عربی و رشد و گسترش و اعتراضات مردم سوریه که با ناکارآمدی دولت سوریه در مدیریت این بحران همراه بود به مرور ۱۴ گروه مسلح در حلب اعلام آمادگی جهت تشکیل حکومت اسلامی در سوریه کردند که سه گروه جبهه النصره - که در سال ۲۰۱۲ اعلام موجودیت کرد-، کائب احرار شام - که در سال ۲۰۱۱ برای جنگ با ارتش سوریه شکل گرفت- و لواءالتوحید - که در سال ۲۰۱۲ بوجود آمد- مهمتر از بقیه محسوب می‌شدند. مجموعه این عوامل

زمینه شکل‌گیری این گروه‌های سلفی جدید را در سوریه بوجود آورد که به یک بحران تمام عیار در این کشور و در منطقه منجر شد و پیامدهای جدی منطقه‌ای را نیز بدنبال داشت.

۸- بازتاب سلفی‌گری بر واگرایی مذاهب و دولت‌های اسلامی

یکی از مهمترین پیامدهای شکل‌گیری سلفی‌گری در جهان اسلام را می‌توان تشدید اختلافات مذهبی و واگرایی میان کشورهای اسلامی و انحراف از مسیر آنان برای دستیابی به امت واحده اسلامی دانست. این مساله اگر چه در ابتدای شکل‌گیری اندیشه سلفی به دلیل عدم استقبال علما و مردم از این اندیشه‌های واپس‌گرایانه، نقش و تاثیر بسزایی در این فرایند نداشت اما با قدرت‌گیری جریان وهابی در عربستان و حمایت‌های دولتی از اندیشه سلفی و همچنین مداخلات قدرتهای خارجی در سرزمین‌های اسلامی، نقش آن در واگرایی میان مذاهب اسلامی نیز تقویت گردید. در این میان، مهمترین عواملی که به نقش‌آفرینی سلفی‌گری در تشدید دامنه اختلافات مذهبی و واگرایی کشورهای اسلامی منجر شد را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۷-۱- انحصار طلبی، جمود، تعصب کور و تکفیر در اندیشه سلفی و واگرایی مذاهب اسلامی: جریان‌های مختلفی با نگرش سلفی به معنای ضرورت بازگشت به سیره سلف صالح مطرح شده اند و برخی پژوهشگران، جنبش‌های اصلاحی مانند آنچه سیدجمال الدین اسدآبادی و برخی دیگر از علما به دنبال آن بودند را نیز سلفی نامیده اند اما باید توجه داشت که این جنبش‌های اصلاحی به دلیل پذیرش عقلانیت، علم و تاکید بر وحدت جهان اسلام، بسیار متفاوت از جریان سلفی و اندیشه‌های آن بوده است که در این پژوهش به آن اشاره کردیم. این تفاوت و تمایز عملاً نقطه عطف اساسی در نقش‌آفرینی متفاوت آنان در جهان اسلام بوده است. درواقع، جریان سلفی و نوسلفی‌گری به دلیل برداشت‌های انحصارگرایانه از دین و نفی سایر مذاهب با ادعای مخالفت با بدعت و در نهایت توسل به تکفیر سایر مذاهب اسلامی، امکان هر گونه همزیستی مسالمت‌آمیز و پذیرش دیدگاه مخالف خود را برنتابیده و به انواع خشونت و جنایت از جمله در بحران‌های اخیر عراق و سوریه دست زده است. نتیجه این وضعیت، تشدید اختلاف میان مذاهب اسلامی و تقابل آنان رودروی یکدیگر بوده است.

۷-۲- استفاده ابزاری از سلفی‌گری در راستای منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای: یکی دیگر از عوامل موثر بر نقش منفی سلفی‌گری در همگرایی جهان اسلام، به استفاده ابزاری از آنان در

راستای سیاست قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای در کشورهای اسلامی باز می گردد. درواقع، با توجه به پتانسیل بالقوه ی بسیار زیادی که در میان طرفداران این جریان ها وجود دارد، استفاده ابزاری از آنان در راستای سیاست غرب برای اختلاف افکنی و تفرقه در جهان اسلام و همچنین بهره گیری از توان عملیاتی آنان در راستای سیاست برخی از کشورهای اسلامی به منظور کسب موقعیت هژمونیک در میان امت اسلامی، به تشدید واگرایی در میان کشورهای اسلامی منجر شده است.

۷-۳- سلفی گری و جنگ نیابتی کشورهای اسلامی: شکل گیری و فعالیت های جریان های سلفی و نوسلفی سبب شده است تا دولت های اسلامی به یک جنگ نیابتی و در مواردی تقابل مستقیم نظامی با یکدیگر روی آورند. در این زمینه، جنگ های داخلی در افغانستان، عراق و سوریه و برخی دیگر از کشورهای اسلامی نشان دهنده نقش جریان های سلفی در واگرایی در امت اسلامی و جنگ درون تمدنی در جهان اسلام دارد.

۷-۴- انحراف افکار عمومی جهان اسلام از دشمن اصلی و عامل واقعی واگرایی: جریان های سلفی با این ادعا که اولویت در مقابله با دشمن نزدیک (سایر مذاهب اسلامی در درون جهان اسلام بویژه تشیع) و دور (دولت های فرامنطقه ای غربی و رژیم صهیونیستی)، به ضرورت پاکسازی و تصفیه درونی امت اسلامی تعلق دارد، عملاً زمینه انحراف افکار عمومی مسلمانان از محور مشترک آنان به عنوان ید واحده در مقابله با دشمنان اصلی امت اسلامی را بوجود آورده اند. بر این اساس، پتانسیل درونی جهان اسلام برای حل چالش هایی مانند مساله فلسطین و یا مشکلات اقتصادی سیاسی و امنیتی موجود میان کشورهای اسلامی تحت تاثیر فعالیت جریان های سلفی، به واگرایی در جهان اسلام و تفرقه میان مذاهب اسلامی منجر شده است.

۷-۵- نضج جریان های واگرا و چرخه بی ثباتی، فقر و عدم توسعه در کشورهای اسلامی: فعالیت گروه های سلفی و نوسلفی در کشورهای اسلامی و درگیری های مداوم آنان با دولت های مرکزی عملاً سبب شکل گیری «دولت های ورشکسته» و ناکارآمد در جهان اسلام شده است. این شرایط عملاً به چرخه بی ثباتی، فقر و توسعه نیافتگی این کشورها و سلطه گفتمان های امنیتی و نظامی برای مقابله با اقلیت های قومی، مذهبی و... منجر شده است. در این شرایط، با تشدید نگرانی و سوء ظن دولت های حاکم از تهدیدات امنیتی داخلی، از یکسو فشارهای سیاسی- امنیتی بر اقلیت های مذهبی و

قومی افزایش یافته و از سوی دیگر، امکان همزیستی و اجماع میان مذاهب اسلامی در درون این کشورها تضعیف شده و با رواج هراس از نفوذ سایر کشورها در میان اقلیت‌های مذهبی مانند توهم ایجاد هلال شیعی توسط ایران، رقابت و بازی با حاصلجمع صفری میان دولتهای اسلامی نیز بوجود آمده است.

۹- نتیجه‌گیری

سلفی‌گری و نوسلفی‌گری، روایتی رادیکال و انحصارگرایانه از اندیشه‌های اسلامی است که با تاکید بر ضرورت پیراستن دید از بدعت‌ها و بازگشت به سیره سلف صالح در راستای احیای خلافت اسلامی، به جریانی واگرا در میان کشورهای اسلامی و مانع مهمی برای وحدت جهان اسلام تبدیل شده است. این جریان که زمینه‌ای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی در جهان اسلام دارد در ابتدا مورد انتقاد علما و مردم در کشورهای اسلامی قرار گرفت اما با پیوند میان ابن سعود و وهابیت و بویژه انحلال خلافت پس از فروپاشی عثمانی، زمینه فعالیت آنان با سودای احیای مجدد خلافت اسلامی بوجود آمد. در این شرایط، با افول روز افزون موقعیت جهان اسلام در مقابل نفوذ تمدن غرب در کشورهای اسلامی و ناکامی دولتهای اسلامی در حل بحران‌های مزمنی مانند مساله فلسطین، تهاجم نظامی شوروی و سپس آمریکا به افغانستان و عراق به رشد نوسلفی‌گری منجر شد. این مساله در بحران‌های عراق و سوریه و شکل‌گیری جریان‌های متعدد سلفی در این کشورها به اوج خود رسید و تنش و اختلاف میان مذاهب و دولتهای اسلامی را به بالاترین سطح ممکن ارتقا داد. در این شرایط، با توجه به نقش این جریان‌ها در واگرایی مذاهب اسلامی و حمایت برخی دولتهای اسلامی و غربی از آنان، ضروری است جمهوری اسلامی ایران با تنش‌زدایی با همسایگان بویژه عربستان، از ظرفیت‌های نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بویژه سازمان کنفرانس اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و... برای تضعیف گفتمان سلفی‌گری و نوسلفی‌گری در جهان اسلام بهره‌برده و با تمرکز بر نقش علما، اندیشمندان و مصلحان جهان اسلام زمینه پذیرش گفتمان مفاهمه و همزیستی مسالمت‌آمیز مذاهب و دولتهای اسلامی در راستای ایجاد امت واحده اسلامی را بوجود آورد.

منابع

- ایمان دار حمید و مصطفوی فرد حامد (۱۳۹۷). "سلفی‌گری در اندیشه کلامی جماعت اخوان المسلمین"، آینه معرفت، دوره ۱۸، شماره ۵۴.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۰). *الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله (ص) و سننه و آیامه (صحيح بخاری)*، محقق، الناصر، محمد زهیر بن ناصر، بیروت، دار طوق النجاة.
- پورامینی محمد باقر (۱۳۹۵). *بنیاد تفکر سلفی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی*.
- حسینی تقی آبادی مهدی و دیگران (۱۳۹۴). "سلفی‌گری افراطی در قفقاز شمالی، با تأکید بر مولفه‌های تاریخی، فرهنگی و سیاسی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز"، دوره ۲۱، شماره ۹۱ مهدی فرمانیان و دیگران (۱۳۹۵)، *جریان‌شناسی فکری - فرهنگی سلفی‌گری معاصر*، قم: زمزم
- خان محمدی یوسف و جعفری سید نادر (۱۳۹۵). "مقایسه‌ی دیدگاه امام خمینی و محمد رشیدرضا در باب حکومت اسلامی و پیامدهای سیاسی آن، فصلنامه سیاست متعالیه"، سال چهارم، شماره دوازدهم.
- رحیمی عبدالرفیع و بازوند سبحان (۱۳۹۷). "آموزه‌های برهاری و تأثیر آن بر جریان‌های سلفی‌گری، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام"، دوره ۷، شماره ۱
- زرع پیم‌شاهین و جهان‌شاهی مینا (۱۴۰۰)، "سلفی‌گری و خشونت سیاسی تأملی بر تأثیر بحران‌های اجتماعی در تکوین جنبش‌های اسلامی سلفی رادیکال معاصر در خاورمیانه"، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، دوره ۲۷، شماره ۱
- سید قطب (۱۳۷۸) *نشانه‌های راه*، مترجم: سید محمود محمودی، تهران: انتشارات احسان.
- سیدنژاد سیدباقر (۱۳۸۹) "سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره اول.
- سیدنژاد سیدباقر (۱۳۹۰) "رویکرد شناسی فلسفی و معرفتی جریان سلفی‌گری"، سیدباقر سیدنژاد، فلسفه دین، سال ۸، شماره ۱۱.
- عباسی مجید و بیات زهرا (۱۳۹۵). "دیپلماسی دوگانه‌ی آمریکا در برابر جریان‌های بنیادگرایی اسلامی: از همسویی تا دشمنی"، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۳۰۴.
- عدالت نژاد سعید و نظام الدینی سید حسین (۱۳۹۰) "سلفیان تکفیری یا الجهادیون: خاستگاه و اندیشه‌ها"، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۳.

علیپور جواد و دیگران (۱۳۹۶). "تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه بر خطوط فکری و خط مشی گروه‌های سلفی - تکفیری"، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۲.

عنبرمو منصور (۱۳۹۹). "شناخت شناسی سلفی گری در ایران (مطالعه موردی: بررسی رویکرد جریان‌های مذهبی اهل سنت کشور"، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، دوره ۳۰، شماره ۴۷.

غفاری هاشم‌زاده و علیزاده سیلاب قدسی (۱۳۹۳). "مولفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی: داعش)"، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۱.

فرمانیان مهدی (۱۳۹۴) تاریخ سلفی گری، تهران: دارالعلم.

قدیمی قیداری عباس و جنگجو قولنجی شهناز (۱۳۹۲). "مصطفی کمال آتاتورک و انحلال خلافت"، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۳.

گل محمدی علی (۱۳۹۰) محمد رشید رضا، در کتاب اندیشه سیاسی متفکران مسلمان (جلد ۱۱)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

گلشن پژوه محمد رضا (۱۳۸۵). "اصلاحات در سوریه: زمینه‌ها و روندها، در کتاب خاورمیانه ۵ ویژه اصلاحات در خاورمیانه"، تهران: موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

مجتهد شبستری محمد (۱۳۷۵). هرمنوتیک، کتاب و سنت: فرآیند تفسیر وحی، تهران: انتشارات طرح نو.

مهدوی و دیگران محمد (۱۳۹۸). "وهابیت و پارادوکس سلفی گری در عصر نوگرایی"، فصلنامه اندیشه نوین دینی، دوره ۱۵، شماره ۵۷.

میراحمدی منصور و ولدبیگی علی اکبر (۱۳۹۳). "جریان‌های سلفی؛ از انقیاد تا افراط گرایی جستارهای سیاسی معاصر"، سال پنجم، شماره دوم.

نصیرزاده حسین و گودرزی مهناز (۱۳۹۶). "سلفی گری تکفیری در خاورمیانه هزاره سوم و جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶)"، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۹، شماره ۳۳.

نیاکوئی سید امیر (۱۳۹۴). "بررسی عوامل گسترش جریانات تکفیری در خاورمیانه (۲۰۱۱-۲۰۱۵)"، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۴، شماره ۴.

Basit Abdul (2014). "Foreign Fighters in Iraq and Syria – Why So Many?", Counter Terrorist Trends and Analyses, Vol. 6, No. 9.

Henri Lauzière (2015). *The Making of Salafism: Islamic Reform in the Twentieth*

Century, Columbia University Press.

Ismail Raihan (2021). *Rethinking Salafism: The Transnational Networks of Salafi 'Ulama in Egypt, Kuwait, and Saudi Arabia*, Oxford University Press.

Maher Shiraz (۲۰۱۶) *Salafi-Jihadism: The History of an Idea*, Oxford University Press.

Meijer Roel (2014). *Global Salafism: Islam's New Religious Movement*, Oxford University Press.

Nahouza Namira (2018). *Wahhabism and the Rise of the New Salafists: Theology, Power and Sunni Islam*, I.B. Tauris.

Wendt, A, (1999). *Social Theory of International Politics*, Cambridge University Press.

